



# مرک انسان در

## صد سال

### آینده؟!!



و آینده بشریت به بحث غیررسمی بنشینند - عده آنها اکنون به هفتاد نفر رسیده و عده‌ای از جامعه شناسان و دانشمندان دیگر با آنها پیوسته‌اند و به عنوان نخستین گام با ارسال مفروضاتی به مؤسسه فنی ماساچوست (M-I-T) که مجهز بماشینهای عظیم الکترونیک حساس بگراست باین مؤسسه مأموریت داده‌اند که تحول قابل پیش‌بینی وضع جهان بویژه مسائل ناشی از رشد اقتصادی جهانی را بررسی نماید . نتیجه نهایی این مأموریت این بود که هر نوع

ماشینهای حساس بگر « کامپیوتر » انستینوی تگنو- لوژی ماساچوست (M-I.T) بنا بر مفروضاتی که باشگاه رم برای آنها فرستاده است، اعلام داشته‌اند که ظرف ۱۰۰ سال آینده هر گروه گرسنه و سیر محکوم به مرگند، منتهی یکی از فشار «محرورمیت» و دیگری از فرط «مسمومیت» !!

توضیح آنکه در سال ۱۹۶۸ سی نفر از شخصیت‌های علمی و اقتصادی و صنعتی دنیای مرفعی در رم تشکیل مجمعی دادند تا درباره مسائل حال

مکتب اسلام

انسانها به حداقل خود خواهد رسید، رابطه زنان- شوئی توسط دولتها کنترل میشود و مردان پس از داشتن يك فرزند، عقیم میشوند تا جهان بتواند جمعیتی راكد و غير قابل رشد داشته باشد و به تولیدن در محدوده زمین ادامه دهد.

همزمان با این فجایع ساخته مغز و دست بشر، نگرانی روانی و عدم رضایت از اجتماع به اوج خود خواهد رسید ...

اما علیرغم همه این پیش بینیا و برخلاف اعلام سهمناك «كامپوتر» مبنی بر انهدام جهان و انسان که «**انسانهای فنی**» را بو حشت انداخت ، متفکران بشر دوست که اراده خود را محفوظ نگاه داشته و آنرا به «ماشین» تفویض نکرده اند، معتقدند بشریت محکوم به فنا نیست و اگر طراحان و مجریان سیستمهای حاکم بر جوامع بشری به تغییر نهادهای کهنه خود دست زنند و فرهنگ حقیقی جای اصلی خود را باز یابد و خلاقیت و آفرینندگی جانشین اسارت و بندگی ماشینی گردد و «**فضیلت**» بجای «**سود**» هدف انسان قرار گیرد و فرهنگ و تمدن در جهت رشد «**آدم**» باشد، نه «**آدمك**» او بالاخره اگر انسان صنعتی و ماشین صفت و از خود بیگانه امروز ارزش خود را باز یابد و اراده خلاق و سازنده خود را باز شناسد و به انسانی واقعی با همه ویژگیهای انسانی تبدیل شود ، همچنان میلیونها سال بزندگی خود ادامه خواهد داد و هوای مسموم و آب و خاك آلوده او را از پای در نخواهد آورد و اوست که میتواند هوا و آب و خاك آلوده را تصفیه کند .

چشم اندازی بر اساس رشد و توسعه فعلی جهان به فاجعه می انجامد یعنی اگر جهان بر همین آهنگ فعلی به رشد و توسعه اقتصادی ادامه دهد، نابودی بشریت حتمی است ...

\*\*\*

تردیدی نیست امروز کره زمین که بقول نیوتون همانند سیب بزرگی در آسمان معلق است، بموازات پیشرفت علم رسیده تر و شیرین تر شده ، و اکنون شیرینی آن بحدی است که آنرا گندیده و کرمو کرده است !

عقل امروز بشر در موقعیت تجلی مادی خود رسیده و همانند «کرمی» از مواد زمین تغذیه فیزیکی کرده و این **عقل مادی** هم اکنون آنچنان دست و پا پیچ بشر شده ، که فقط خود مانده و يك سلسله دیوهای دست پرورده او، نظیر بمب اتمی، مواد شیمیائی که دانشمندان از مصارف کاذب آن بی اطلاع بودند و اکنون بسان خرچنگ ، عمر جهان را به تمامی تهدید میکند و کره زمین را به جهنمی سوزان تبدیل کرده است .

اینطور پیش بینی میکنند که در قرن بیست و یکم ، تمام کشورها دارای نیروی اتمی خواهند شد و جمعیت جهان به دو برابر جمعیت فعلی افزایش می یابد و در نتیجه وسعت زمین به نصف تقلیل می یابد. در این قرن نیرو و آب سدها برای تولید برق و آب آشامیدنی مردم دنیا کافی نیست و جهان با کمبود مواد غذایی مواجه است و بعلت تسلط کامل ماشینهای الکترونیکی بر اندیشه و نیروهای انسانی، تعداد یکاران جهان به حداکثر و پرهیزگاری

ترقی است و علم و فن در جهتی صعودی سیر میکند ولی آنچه که موجب نگرانی انسان نسبت به آینده تمدن میگردد، اینست که آیا منابع جهان مجال و امکان دائم تأمین و ارتقای معیشت مردمان را می‌دهد؟

آیا اسباب و آلات جهنمی که تکنولوژی جنگ در مراحل تکامل خود ساخته، فرصت آنرا خواهد داد که بشریت به سالهای درازدربهشت رفاه و تنعم بیاساید و فخر برفلک و حکم بر ستاره کند؟ آیا تمدن با این روح خود کامگی و سود طلبی و قدرت جوئی (۱) که در «ارباب بی‌مروت» آن هست میتواند عدم توازن اقتصادی و مسائل فقر و گرسنگی (۲) و پریشان روزگاری دو نلک مناطق جهان را چاره جوئی کند؟

گیرم که تکنولوژی حلال همه این مسائل و مشکلات باشد، باز جادارد در باره آینده انسان و

البته بدیهی است که در این طرح انسان فنی (که خداوندگاری ماشین را پذیرفته) میبرد و انسان متعالی قدم بعرضه حیات می‌گذارد و احتمال دارد که اگر انسانهایی برای این تغییر و استحاله و بازپس گرفتن اراده انسان از ماشین به مجاهده برخیزند، انسان فنی! و مقتدر امروز بر سر آنها همان آورد که انسانهای متحجر قرون وسطی بر سر امثال برنو Bruno و گالیله Galilee آوردند!

\*\*\*

در حال آنچه که در این مقال سزاوار بررسی و گفتگو می‌باشد، اینست که در زمینه تفاوت بنیادی میان انسان ماشینی و انسان متعالی و یا بعبارت دیگر میان آدمک، و «آدم» میتوان نسبت بآینده «جهان وانسان» پیش بینی واقع بینانه ای نمود: تردیدی نیست که تمدن بمعنای مجموع تدابیری که آدمیان برای تأمین معاش اتخاذ کرده اند، پیوسته و به

۱ - «هامیلتون آرمسترانگ» سردبیر نشریه آمریکائی امور خارجی در زمینه سیاست خارجی کشور خود مینویسد: «آمریکا توجه خود را فقط در قدرت متمرکز کرده است و در این میان آرمانها و اخلاقیات و جاذبه‌های خود را به کناری نهاده است. باید وجود این بیماریها و نقائص را قبول کنیم و باصلاح و درمان آن مصمم شویم. این هم تنها در گرو اینست که دوباره تمدن شویم و به اصول انسانی بازگردیم...» (کیهان - مورخ ۳ آبان ۱۳۵۱)

۲ - «رابرت مک نامارا» رئیس بانک جهانی، گرسنگی و فقر و عقب ماندگی کنونی اکثریت مردم مردم زمین را با ترسیم یک مخروط، که میتوان آنرا مخروط بینوایی نامید، مجسم میکند.

مک نامارا در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل برای تجسم این بینوایی گفت: افزایش درآمد سرانه در آمریکا در یکسال بیش از افزایش درآمد هندوستان در صدسال است (کیهان - مورخ ۳۰ مهرماه ۱۳۵۱)

و خلاصه آیا باید روح بماده و کیفیت و معنی به کمیت و صورت سر تسلیم سپرند و خود از عرصه تاریخ پای بیرون کشند؟

در این بحث باین سؤالات پاسخ خواهیم گفت، ولی بدو باید بررسی نسبتاً جامعی از انسان مسخ شده امروز که همه‌ی قدرت و خلاقیت و شخصیت خود را به‌ماشین سپرده و از خود سلب اراده نموده است، بکنیم و فاصله‌ی سرسام‌آور آنرا با انسان واقعی و متعالی دریابیم تا پاسخ سؤالات را روشن بینانه تر درک کنیم. (بقیه در شماره آینده)

عواملی که وسیله اعتلای فکری و روحی و اخلاقی بشر است، دل نگران باقی بمانیم و درباره آینده مذهب، اخلاق و هنر بمعنی واقعی و دیگر ارکان فرهنگ انسانی مضطربانه بپرسیم: آیا سخن کنت A-Conte راست است که عصر فلسفه و تفکر فلسفی بسرآمده؟

آیا پیش بینی گویو Guyao درست از کار درمیآید که جهان آینده از مذهب تهی است؟ آیا چنانکه تجربه ما از زندگی نیز شهادت می‌دهد ارزشهای عالی اخلاقی محکوم به سقوط است؟ آیا هنر چاره‌ای دیگر جز فرمانبری صنعت ندارد؟

## کشور پهناور چین

### به اندازه يك شهر مانیت!

#### در جرائد نوشته بودند:

«کشور پهناور چین با (۸۰۰) میلیون نفر جمعیت يك آرایشگاه زنانه

ندارد!

زنهای چینی لوازم آرایش به کار نمی‌برند، و دادن لباس به لباسشویی را يك کار لوکس «فانتزی» بشمار می‌آورند...» و در همان جرائد نیز این مطلب به چشم می‌خورد:

در تبریز حدود (۴۰۰) آرایشگاه زنانه وجود دارد که هر کدام نرخ جداگانه‌ای برای آرایش دارند. در تبریز آرایش عروس از ۵۰ تا ۵۰۰ تومان نرخ دارد!

بنابراین می‌توان گفت که کشور چین با آن پهناوری و جمعیت با مقایسه به تبریز، صفر است!